



۲۰۲۰/۰۵/۲۱



عبدالقیوم میرزاده

چرا ما با این همه بدبختی مواجه هستیم؟



صرف نظر از توضیح تاریخی علل و عوامل بدبختی های کشور ما که در کتاب «ملت، منافع ملی و دولت ملت در افغانستان» به تفصیل ذکر کرده ام می خواهم به طور اخص در باره سیر حوادث غمبار ماه های اخیر در کشور ما سیر گذرا کرده و توضیحی در زمینه ارائه کنم.

در نتیجه مداخلات عریان و پنهان کشورهای خارجی و حوادث غم بار نیمه دوم قرن بیستم سیستم اداره کشور ما بی ثبات گردیده و در نتیجه عدم مصونیت مالی، جانی و سیاسی اتباع، مردم کشور ما تن به مهاجرت داده و به فرار مغز ها و نیروهای که توانمندی گرداندن چرخ اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور را داشتند انجامید و بدین ترتیب طی چهار دهه اخیر، کشور ما از نبود کادر تخصصی برای اداره امور کشور رنج می برد. بعد از حمله امریکا به افغانستان و تعویض حکومت طالبان با ادارات دلخواه خودشان که در اجلاس منحوس بن اساس آن رقم زده شد، با آنکه امریکا برای حفظ و بقای نیروهای طرفدارش که عبارت از همان دزدان تنظیمی و قوماندانان، قاچاقبران مواد مخدر و معادن افغانستان، تروریستان و آدمکشان حرفوی بودند که در پاکستان زیر هدایت مستقیم امریکاییان و تأمین خدمات لوژستیک استخبارات نظامی پاکستان کشور شان را فروختند و منافع ملی را به کرات با هر آزمند خارجی معامله کردند بر علاوه صد ها هزار افراد بی بند و بار را زیر نام اتحاد شمال مسلح ساخت که تا امروز این نیرو ها کشور ما را به گروگان گرفته اند و امریکا با تمام قوت در حمایت شان قرار دارد. از طرف دیگر در این گیر و دار نسل دوم مهاجرین که از امکانات تحصیلی و تخصصی برخوردار بودند همراه با نیروهای مماثل شان در داخل کشور منحبث نیروی فکری جدید عرض اندام کرده و در سایه تحولات دو دهه اخیر توانستند تا حدودی در اداره کشور دسترسی پیدا کنند. این نیرو ها که زیاد متمرکز و سازمان یافته هم نیستند مصمم اند تا دیموکراسی را در کشور پایدار ساخته و تهداب مطمئنی برای تقسیم عادلانه قدرت و ثروت از طریق نهادهای دیموکراتیک و انتخابات پایه گذاری کنند. این نیروی جوان پراکنده در بحبوحه انتخابات سال ۲۰۱۴ برای مقام ریاست جمهوری در کنار داکتر محمد اشرف غنی ایستادند و توانستند انتخابات را از طریق آرای مردم به نفع خودشان رقم بزنند. اما نیروهای اهریمنی مسلح ساخته شده، دزدان، غارتگران، مافیاهای مواد مخدر، معادن، زمین و زور گویان تنظیمی در تحت حمایت ایالات متحده امریکا با تمام قوت در مقابل این نیروی جدید ایستاده و برای حفظ بقای خود که عبارت از همانا غارت گری، چور و چپاول دارایی های عامه، غصب زمین، استخراج خود سرانه و غیر قانونی معادن و صدور آن به

پاکستان، زرع، تولید و ترافیک مواد مخدر، هرج و مرج، بی ثباتی، حکومت های محلی ملوک الطوائف می باشد از همه انواع امکانات غیر قانونی، حيله گری و نیرنگ، معامله های خاینانه ضد ملی و شانناژ استفاده می کنند تا زمینه ساز فعال مایشاء خود باشند. شاید به ذهن خوانندگان این سطور برسد پس چرا امریکا منحیت یک کشور مقتدر در حمایت این نیروی خرابکار، ویرانگر و دزد قرار دارد؟

اگر مرور گذرا به حوادث جهان بعد از جنگ دوم جهانی بیاندازید به خوبی آشکار می گردد که امریکا نه تنها در افغانستان بلکه در همه کشورهای جهان که شامل حوزه منافع حیاتی اش می شود و یا در جریان جنگ سرد و تقابل با اتحاد شوروی وقت از طریق کودتا های نظامی رژیم ها و سیستم های با ثبات کشورها را واژگون ساخته و جایش را خانه جنگی، تشدید اختلافات قومی، مذهبی، زبانی و سیاسی تا سرحد تجزیه و تهدید تمامیت ارضی کشورها گرفته است. یعنی اینکه ایالات متحده امریکا سیطره و منافع خویش را در جهان در تشدید بحران ملی و منطقوی و مشتعل نگهداشتن آتش جنگ های داخلی جستجو می کند. این مسئله در دکترین نظامی برژنسکی مشاور ارشد سابق قصر سفید و کتاب فرستاده اثر زلمی خلیل زاد به وضاحت متبلور گردیده است که تا امروز همین دکترین در سیاست های ستراتیژیک امریکا پا برجاست. مثال های فراوان از مداخلات سری و علنی آن در کشورهای مکسیکو، هندوراس، چلی، نیکاراگوا، هایتی، جمهوری دومینیکن، کیوبا، ارجنتاین، حمایت اسرائیل علیه فلسطینیان، کودتای ۱۹۵۳ ایران علیه حکومت داکتر مصدق، در دادن جنگ و تشدید جنگ داخلی در لبنان، کشتار بیرحمانه مردم در اندونیزیا زیر نام مقابله با کمونیزم، افغانستان، عراق، سوریه، لیبیا، یمن و ده ها عملیات خرابکارانه، ترورهای سازمان یافته غرض حفظ رژیم های طرفدارش در اقصی نقاط جهان این حقیقت را به ما می رساند که امریکایان منافع شان را در رژیم های بی ثبات و موجودیت خانه جنگی، اغتشاشات داخلی و مخاصمات قومی و زبانی جستجو و تأمین می کنند. که برای تعمیم این مامول خویش نیروهای اجرایی چون جنبش عبدالله عزام، ابو نیدال، ابو سیاف، تکفیر و هجرت، انصارالله، سپاه بدر، حرکت المجاهدین، مجاهد، طالب، داعش، النصره، القاعده، بوکو حرام، الفتح، الشباب، جبهه نظامی اسلامی عدن، گروه نظامی اسلامی الجزایر، لشکر طیبیه، جنبش گولن ترکیه، شبکه حقانی، جیش محمد، ارتش انصار، گروه فارک، سپاه صحابه، تحریک انفاذ شریعت و ده ها سازمان تروریستی دیگر را تأسیس و تمویل کرده و به وسیله آنها اهدافش را عملی می سازند. که در کشور ما طی نزدیک به پنج دهه اخیر بدبختانه اکثریت این نیرو های تروریستی را زیر اداره سازمان استخبارات نظامی پاکستان ISI به کار گرفته تا از یکطرف آتش افتراق، خانه جنگی، بی ثباتی و اختلافات مذهبی، قومی و سیاسی را در افغانستان گرم نگهدارند و از طرف دیگر این گروه های تروریستی را برای اهداف و مقاصد بین المللی شان تربیت و آموزش دهند. از همه این رویداد ها، فعل و انفعالات، مداخلات و تجاوزات امریکا در کشور ما به خوبی بر می آید که آنها به همه گزینه ها از قبیل در حاکمیت نگهداشتن نیرو های فاسد، غاصب، قاچاقبر، دزد و غارتگر مجاهدین دیروز جمع نیروهای دوستم (اتحاد شمال در آستانه سقوط حکومت طالبان) و در حالت جنگ و گریز با طالبان، تحمیل حاکمیت طالبان (پاکستان) و تشدید اختلافات ذات البینی آنها و در تقابل قرار دادن شان با داعش و نیروهای فاسد جمعیت و شورای نظار شامل اتحاد شمال که احتمالاً از قدرت به دور می شوند. از این جاست که ایالات متحده امریکا تلاش دارد تا به هر وسیله ای چون تهدید، ارعاب، فشار های سیاسی و نظامی که شده این گروه های فاسد طرفدارش را در قدرت نگهدارند که توافق اخیر میان حکومت

و سرگروه این گروه فاسدین و خابنین ملی عبدالله عبد الله زیر چتر حمایتی و فشار مضاعف همین سلسله صورت پذیرفته است که دیگر هیچ جایش برای مردم ما پوشیده نمانده است.

تحلیل گران و صاحب نظران نظریات عالمانه ای را در قبال این انکشافات اوضاع ارائه می کنند. آنها حکومت را به مناسبت این سازش با خابنین ملی سرزنش و ملامت می کنند. عده ای به این نظر اند که داکتر اشرف غنی بانیست به این توافق تن نمیداد و بهتر می پندارند تا استعفا میکرد. عده دیگر تیم داکتر اشرف غنی را هم جزء عوامل امریکا پنداشته و در پیشبرد این بازی ها شریک می پندارند.

اما هیچ کس نمی گوید که نقش مردم در این میان چیست؟

امریکا تلاش دارد تا منافع خویش را به هر وسیله جایز و ناجایز تأمین کند. گروه های غارت گر، دزد و قاچاقبر در تلاش اند منحصیث مهره های تعویل کننده سیاست امریکا در افغانستان حفظ منافع طاغوتی خود را بیمه کنند. اما گروه بزرگ میلیونی مردم که در این میان سراسر بازنده اند، چرا خاموش و بیصدا اند؟

از نظر من آنچه کمر اشرف غنی را شکستاند و توافق با اهریمن را بر وی تحمیل کرد بر علاوه فشارهای مضاعف امریکا، نبود حمایت مردم از منافع شان می باشد. اگر مردم متحدانه در برابر هر سیاست تجاوزگرانه و قلدر مآبانه امریکا ایستادگی می کردند و در حمایت دولت قرار می گرفتند و از همان اولین روزهایی که امریکا تلاش داشت تا از تدویر انتخابات جلوگیری بعمل آورد به تظاهرات سراسری می پرداختند، و یا اینکه زیر فشار امریکا شمارش آرا به بهانه های گوناگون از طریق این نیروهای اهریمنی داخلی شان به درازا کشانیده می شد مردم در دفاع از حق رأی خویش تظاهرات میلیونی را براه می انداختند و افکار عامه جهان را به خویش معطوف می ساختند، ما امروز به این بدبختی و ذلت مواجه نمی شدیم. امروز هم اگر مردم با درک واقعیت های عینی جامعه از آنهایی که کمر همت برای خدمتگذاری شان بسته اند حمایت کنند و دست چند اهریمن معامله گر خابن ملی را از سرنوشت خویش کوتاه سازند. دیر نخواهد بود که خود شان به وسیله فرزندان اصیل و پاکدامن این سرزمین بر سرنوشت خویش حاکم خواهند گشت. تجارب فراوان در جهان وجود دارد که همچو غلام بچگان اهریمنان مافیایی در لباس های متولیان دینی، جنرالان و افسران نظامی خون مردم را می مکینند و راه را برای سلطه خارجی هموار میکردند ولی مردم هم به صورت خود جوش و هم سازمان یافته به پا خاسته و همچو اهریمنان را با ساز و برگ حمایتی شان نابود کرده اند. مردم ما با وصف این همه قربانی ها و مظالم چرا این کار را کرده نمی توانند؟

این مردم است که باید بیدار شوند، این مردم است که باید آگاه گردند، این مردم است که بانیست از حق خویش دفاع کنند، این مردم است که دوست و دشمن را تشخیص دهند، این مردم است که فرق بین خدمتگذار و خیانتکار را بدانند و در حمایت از خدمتگذاران شان بر علیه خیانتکاران ایستاده شوند.

تا مردم بیدار و آگاه نگردند و قدرت تشخیص دوست و دشمن را پیدا نکنند و به خاطر حق و حقوق شان جانبازان، فداکارانه حماسه نیافرینند همین داستان هزار و یکشب همچنان بر آنها ادامه خواهد داشت و همه روزه چون حوادث چهار راه زنبق، شفاخانه چهارصد بستر، شفاخانه دشت برچی، مساجد خیرخانه، پروان، ننگرهار، تکیه خانه ها، سنیدیوم ورزشی پکتیکا، مراسم جنازه در ولایت ننگرهار، حوادث تروریستی کندز، تخار، لغمان، پکتیا، خوست، هرات، بلخ، هلمند و سایر ولایات کشور همچنان از میان همین مردم قربانی گرفته و هزاران فرزند بی پدر، هزاران زن بی

شهر، هزاران خانواده بی سرپرست و هزاران طفل بی مادر و هزاران خانواده همه بر گلیم غم فرزندان شان می نشینند. بار سنگین جنگ و حکومت مافیا ها و دزدان را از ناحیه مالی و جانی همین مردم به دوش می کشند. در این همه سال گورستان ها را از جنازه هایشان پر ساختند ولی هنوز هم بیدار نشدند تا جلو اهریمن را بگیرند. زیرا همه خارجی ها به وسیله همین دیو صفقان داخلی اهداف شان را عملی میسازند. جنگ، برادر کشی، خشونت، ظلم، فقر، گرسنگی، بیسوادی و هزاران معضلات اجتماعی فرهنگی و انسانی بیداد میکند این اهریمنان به فکر مارشال شدن هستند. هنوز هم مردم خواب اند مگر همین دوستم با تنظیم جمعیت، شورای نظار، گلبدین، حزب وحدت مزاری و دیگران شهر کابل را در مقابل چشمان از حدقه در آمده شما شهریان کابل به ویرانه تبدیل نکرد؟ چرا از خواب غفلت بیدار نمی شوید و در برابر این همه اهریمنان مردانه نمی ایستید. تعداد این اهریمنان و غلام بچگان انگشت شمار است که در تحت اداره و پلان های خصمانه پاکستان، ایران، امریکا و روسیه در این پنج دهه اخیر بر سرنوشت و مقدرات تان معامله و بازی می کنند ولی شما یا سخیفانه دنباله رو هستید و یا عاجزانه سکوت کرده مرگ، فقر، بی عدالتی، شکنجه و ظلم را برای خود و خانواده هایتان به آغوش می کشید.

هموطن عزیز، ما نباید در نقش تماشاچی به تماشا بنشینیم که امریکا کدام گزینه اش را منفعت بارتر تشخیص داده بر ما تحمیل می کند. ما نباید اجازه دهیم آرای مردم ما را دونالد ترامپ قلدرد فزای بازی های تبلیغاتی برای انتخاب مجددش در مسند ریاست جمهوری امریکا کند. ما نباید به پومپئو اجازه دهیم رئیس جمهور کشور ما را خلاف تمام اصول قبول شده بین المللی و موافقتنامه های فی مابین کشوری تهدید کرده و مجبور به اقدامات فراقانونی کند، مردم به میدان هوایی یورش برند و از آمدن خلیل زاد به کشور شان جلوگیری کنند و نگذارند تا این تروریست مؤجد طالب و طراح ایده طالبانی بر سرنوشت مردم ما معامله کند. مردم اعتراض شان را در قبال مداخلات و تجاوزات آشکار امریکا در امور افغانستان به اشکال مختلف مدنی به سمع مردم جهان برسانند و افغانها در هر کجایی که هستند به ذرایع گوناگون و دریافت لابی های مؤثر حمایت حکومت، پارلمان ها و مردم جهان را در قبال مسائل افغانستان جلب کنند. ده ها هزار افغان در فدراتیف روسیه در رفاه زندگی دارند. روسها مداخله گرانه تروریستان طالب را دعوت و در جوار کریملین از آنها پذیرایی گرم انجام دادند ولی آب از آب تکان نخورد. آیا این همه افغان نمی توانستند تظاهرات مؤثر اعتراضی علیه این اقدام مقامات روسی راه اندازی کنند؟

حلقه مفقود در همه شرایط عدم حمایت و مشارکت فعال و مؤثر مردم در قبال مسایل کشور میباشد. در غیر آن عبدالله عبدالله قصر سپیددار را به اجاره گرفته با ژست های زنانه اش بر شما نیشخند میزند، محقق در قصر های میلیون دلاری اش با زنان و کنیزانش به عشرت پرداخته بر شما با تمسخر نگرسته لبخند مودبانه میزند، کرزی با مصونیت گارد امریکایی از درون ارگ ریاست جمهوری بر شما چشمک میزند، دوستم با نشان های مارشالی مست از ودکای روسی بر شما میخندد که چه هیولای بیسواد خون آشام را مارشال ساختید بر فرق خود سوار و نا گفته نماند همان طوری که حاکمیت ملی ما را منهدم و نا بسامان ساختند دنباله این روند تمامیت ارضی کشور ما را نیز به خطر بالقوه مواجه گردانیده است.

*** **

تذکر:

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نبشته ها و مطالب دیگری از این نویسنده را مطالعه کنند، می توانند با "کلیکی" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به "ارشیف" شان رهنمائی شوند.

چرا ما با این همه بدبختی مواجه هستیم؟

mirzada_a_tsherta_ba_in_badbakhti_greftarem.pdf